

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

رمان گریشنکو

برگردان: ا. م. شیری

۲۷ اکتوبر ۲۰۱۲

یورو، رؤسای جمهور امریکا و طلا

مسأله اعطای جایزه صلح نوبل باعث یکسری سرگشتگی ها شده است. مشخص نیست اروپا در یک سال گذشته چه گام مهمی در راه برقراری صلح برداشته است. در واقع، فقط جنگی آغاز نکرد. اما گفته می شود که جایزه به ازای نیم قرن آرامش حاکم بر دنیای قدیم پس از جنگ جهانی دوم، اعطا گردید. گفتن این مسأله که در همین رابطه آیا اروپا بیشتر از مثلا ایالات متحده امریکا یا اتحاد شوروی که در همان نیم قرن گذشته نقش بزرگی ایفا کردند، شایسته تر برای اعطای جایزه بودند یا نه، مشکل است. ولی این یک واقعیت روشن است که نامزدی پیر زن اروپا شایسته تر از تیماشنکو^(۱) یا پوسی رایوت^(۲) بود. با این وجود، اتحاد به دست آمده بی سابقه نیز نتوانست هیچ کمکی به حل معضلات این بخش جهان بکند. یورو هنوز شناور است و پیش بینی ها هم چندان امید بخش نیستند.

در عین حال برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در امریکا که تکامل آتی اوضاع ژئوپلیتیک شدیداً به نتایج آن بستگی دارد، به سرعت تدارک دیده می شود. پس از اولین دور مناظرات پیش از انتخاباتی مرسوم، میزان محبوبیت رئیس جمهور کنونی روند نزولی طی می کند. نمودار درصدی طرفداران او به زیر ۵۰ درصد رسیده است که خود این، نشانه بدتر شدن وضعیت به ضرر اوباما در تمام دوره ریاست جمهوری وی می باشد. این واقعیت چنین تفسیر می شود که اولین رئیس جمهور افریقائی تبار امریکا نتوانست مشکلات کشور و مردم خودش را حل نماید. در همین ارتباط، همچنین لازم به گفتن است که سیاست جهانی امریکا و عدم حل مسائل جهانی نیز، تأثیر منفی بر محبوبیت وی نهاده است.

تأکید بر این مدعا که فقط جمهوریخواهان محافظه کار جنگها را شروع می کنند، دیگر موردی ندارد. زیرا، دمکراتها بسیار بدتر از آنها عمل می کنند و این یک واقعیت کاملاً واضحی است که خط و مشی سیاسی نخبگان امریکا با مسأله در حاکمیت بودن این یا آن شخص ربطی ندارد. تنها راه و روش پیشبرد همین سیاست تغییر می کنند.

تلاشها برای برقراری روابط دوستانه بین روسیه و امریکا تحت عنوان «تنظیم مجدد» نیز با شکست مواجه شد. این مساعی در اواخر همین اولین دوره ریاست جمهوری "باراک اوباما" به تقابل بیشتری در مقایسه با به اصطلاح تفاهم

پوتین- بوش پسر، که از بسیاری جهات حتی به رغم ظهور برخی تنشها در مناسبات، تأثیرات مثبتی به توسعه روسیه از نقطه صفر گذاشت، منجر گردید.

در صورت پیروزی میت رومنی مناسبات متقابل بین روسیه و امریکا با تنشهای باز هم بیشتری همراه خواهد بود. او نیز درست مثل بوش، بدون استفاده از انعطاف و دورویی ذاتی دمکراتها، آشکار عمل می کند و تقابل آشکار همیشه بهتر از تهدید پنهان به بسیج جامعه کمک می کند. چنین وضعیتی در رابطه با خاورمیانه و دیگر مناطق آشوب زده نیز صدق می کند. میت رومنی ضمن متهم کردن اوباما به نشان دادن نرمش و مسؤول دانستن وی در قبال قتل سفیر امریکا در لیبیا، اظهار داشت که ریاست جمهوری وی باعث کاهش اعتبار امریکا در جهان گردیده است.

پیامدهای پیروزی اوباما هنوز روشن نیست. این که تنظیم «تنظیمات مجدد» سامان داده خواهد شد یا تنشها در مناسبات ادامه خواهد یافت، هنوز معلوم نیست... در هر حالتی، صرفنظر از گزینش هر روشی، امریکا به سادگی نمی تواند در تضعیف روسیه نقش بازی نکند. امریکا باید چین را از تأمین منابع مورد نیاز خود محروم سازد. افریقا و خاورمیانه، منهای برخی استثنائات نچندان بزرگ، با موفقیت از دایره اعمار امریکا خارج شده است. اما این واقعیت که ایالات متحده امریکا بیش از دیگران به هراس افتاده، هر روز بیش از روز پیش نمایان می شود. اتحاد ستراتیژیک فدراسیون روسیه با جمهوری خلق چین دیگر واقعیت یافته و با گذشت زمان تقویت هم خواهد شد.

تنها چیزی که هنوز در زرادخانه امریکا باقی مانده، عبارت است از قدرت نظامی امریکا و همچنین، رؤسای جمهور آن، که حتی پس از مرگ نیز به پاسداری از عظمت کشور خود ادامه می دهند. برتری نظامی مثل همه نئومحافظه کاران، به عقیده رومنی هم در اولویت قرار دارد. در حالی که اوباما بخش اقتصادی هژمونی امریکا را که به وضعیت بسیار نامعین تری نسبت به آغاز دوره ریاست جمهوری اش گرفتار شده، مورد توجه قرار می دهد. با این وجود، شهروندان غربگرای کشورهای نامطلوب همچنان در مرکز توجه هر دو نامزد انتخاباتی باقی می مانند.

اما امروز ماشینهای چاپ پول هم نمی توانند کمکی به حل مشکلات اقتصادی امریکا بکنند. البته که آنها هنوز هم به همین ترتیب می خواهند حل نمایند و سعی هم می کنند، ولی دست اندرکاران این پروسه، پیشاپیش در باره تأثیرگذاری حداقلی چنین فرایندی هوشدار می دهند. و خود این بدان معنی است که باید کار دیگری انجام بدهند. به عبارت دقیق تر، باید به ویران ساختن و غارت کردن مشغول شوند. امریکا باید رقیب ارزی خود، اروپا را ویران سازد و با تاراج رقیب سیاسی اصلی خود، روسیه، اقتصاد چین، رقیب اقتصادی خود را از دستیابی به «نان» محروم نماید.

هر چند ممکن است روش اوباما و رومنی برای نیل به این اهداف متفاوت باشد، ولی نیت آنها کاملاً یک سان است. اما موقعیت انحصاری دالر به مثابه ذخیره ارزی متزلزل شده است. روسیه و چین برای تأمین چنین موقعیتی به واحد پول خود ابراز تمایل کرده اند. نامزدهای انتخاباتی کنونی امریکا درست در موقعیتی قرار گرفته اند که روزولت در دهه ۳۰ قرار داشت. اما هیچ یک از آنها با این سیاستمدار بزرگ، تنها نامزدی که برای بیش از دو دوره به ریاست جمهوری امریکا انتخاب شد، حتی قابل قیاس نیستند.

او موفق شد در چهار انتخابات پیروز شود. چنین دوره طولانی بی سابقه ریاست جمهوری فقط در سایه پشتیبانی مردم از سیاستهای او، که شکستن برتری امپراتوری انگلیس و اجرای برنامه تأمین رهبری مالی جهان، یکی از بخشهای آن بود، به دست آمد. او با تکیه بر توصیه های جان مینارد کینز، دالر را به ذخیره ارزی جهان تبدیل کرد. در سال ۱۹۳۳ روزولت برای اولین بار به وابستگی دالر به موجودی طلا پایان داد، پس از آن، با کاهش ارزش اسکناس، انتشار آن را تا حد تفوق بر سطح تورم افزایش داد. آوار کردن همه عوارض جانبی چنین سیاستی بر سر

کشورهای دیگر، از طریق اعطای وامها و تجارت به حساب پول کاغذی ممکن شد. این وضعیت از بسیار جهات در سایه بلوغ جنگ جهانی دوم، زمانی که همه اروپا برای یک جنگ سراسری آماده می شدند، میسر گردید. به حساب افزایش سفارشات دولتی، که بخش اعظم آن را سفارشات نظامی تشکیل می داد، او قدرت خرید جمعیت را افزایش داد. امریکا سعی می کرد حجم عظیم تولیدات خود را به هر دو طرف جنگ آینده بفروشد. روزولت درست مثل لنین در زمان انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷، در وضعیت منحصر به فردی قرار داشت و تحت تأثیر آن، با راهنمای عمل قرار دادن منافع مردم و رؤیای تأمین رهبری جهانی امریکا با مشارکت مسکو، پکن و لندن، عمل می کرد. مجموعه شرایط و اقدامات متعارف او، زمینه های موفقیت سیاستهای روزولت را فراهم ساخت، موجب محبوبیت وی در میان مردم گردید و تاریخ او را در جایگاه برابر با فرانکلین، واشینگتن، جفرسون و لینکلن قرار داد. پیدایش چنین شخصیتی در افق ساختار امریکا انتظار نمی رود و آن کسانی هم که هستند، فعلا فقط اوضاع را بدتر می سازند. اما، همانطور که پل کریگ روبرتز گفت:

«تا زمانیکه دالر به موجودیت خود به عنوان ذخیره ارزی ادامه می دهد، امریکا همچنان به عنوان یک ابرقدرت باقی خواهد ماند».

و همانطور که ستالین گفت: هر کشوری که بخواهد استقلال خود را حفظ کند، باید نرخ ارز خود را نه بر مبنای نرخ ارز یک کشور خارجی، آنطور که امروز رایج است، بلکه، بر اساس موجودی طلای خود تعیین نماید^(۳). به همین سبب هم ذخیره طلای روسیه در دوره ستالین به حداکثر مطلق در تمام دوره تاریخ (امپراتوری، اتحاد شوروی و فدراسیون روسیه) رسید. پس از این، پاسخ همه سؤالات مربوط به این که چه کسی واقعا در جهت تحکیم استقلال و سعادت کشور خدمت می کند، روشن می شود...

زیرنویسهای مترجم:

- (۱)- منظور بولیا تیماشنکو، نخست وزیر غربگرای سابق اوکراین می باشد که در حال حاضر دوره هشت ساله محکومیت خود را در زندان می گذراند.
- (۲)- پوسی رایوت یا به معنی تحت اللفظی، «هرزگان شورشی»، منظور گروه موسیقی دختران روسیه است که از حمایت غرب برخوردار است و در ایستگاههای مترو، روی اتوبوسها و غیره برنامه اجراء می کند. به دنبال اجرای برنامه علیه پوتین، رئیس جمهور روسیه در کلیسای جامع مسکو، سه تن از آنها محاکمه و زندانی شدند.
- (۳)- این هم یک دلیل دیگر برای درک علت خصومت و کینه پایان ناپذیر ضدکمونئیستها، مخالفان استقلال کشورها و عدالت اجتماعی نسبت به ستالین.

<http://nedo4life.blogspot.com/2012/10/>

۵ آبان- عقرب ۱۳۹۱